

چکیده:

شعر حافظ چنان با عرفان، تاریخ، تفسیر، لغت و... گره خورده که فهم آن بدون آشنایی با این علوم تقریباً غیرممکن است. ترکیب «رندان پارسا» در بیت «خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند/ ساقی، بده بشارت رندان پارسا را» که در کتاب ادبیات فارسی ۲، ص ۹۸ دوره‌ی متوسطه آمده، از جمله نکات غامض دیوان حافظ است و تفسیرهای مختلفی را موجب شده است. سؤال اساسی این است که منظور شاعر از رندان پارسا چه کسانی است؟ آیا کلمات رند و پارسا (به معنی پرهیزگار) در دیوان حافظ قابل جمع‌اند؟ و آیا پارسا می‌تواند معنایی غیر از پرهیزگار هم داشته باشد؟

روش مورد استفاده‌ی مؤلف در این مقاله به صورت توصیفی و تحلیلی است. وی با مراجعه به منابع و بر اساس اطلاعات موجود، به این یافته‌ها رسیده که اولاً بهتر است واژه‌ی «پارسا» با آرایه‌ای ایهام تحلیل شود (به معنی پرهیزگار و ایرانی) و در ثانی پارسا به معنی پرهیزگار، بر خلاف تصور برخی، می‌تواند درست باشد، زیرا با آرایه‌ی پارادوکس توجیه‌پذیر است.

رندان پارسا

شعبه
آموزش زبان
و ادب فارسی

۲۸

♦ دوره‌ی بیستم
♦ شماره‌ی ۴
♦ تابستان ۱۳۸۶

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کلید واژه‌ها: رندان، پارسا، تازیان، پرهیزگار، ایهام، پارادوکس، پارسایان و...

در این بیت حافظ، که در ادبیات ۲ص ۹۸ دوره‌ی متوسطه آمده است، رندان پارسا چه کسانی‌اند؟

آیا رندا با توجه به صفاتی که حافظ به وی نسبت داده است می‌تواند پارسا به معنی پرهیزگار باشد؟ قبل از این که به معنی واژه‌ی «پارسا» پردازیم، توجه داشته باشیم که حافظ در دیوان خود چهار بار از این واژه (یک بار پارسایان، دوبار رندان پارسا و یک بار پارسا به تنهایی) استفاده کرده

است^۲:

خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند
ساقی بده بشارت رندان پارسا را

(حافظ قزوینی، ص ۱۱)

تازیان را غم احوال گرانباران نیست
پارسایان مددی تا خوش و آسان بروم

(همان، ص ۱۵۱)

مرید طاعت بیگانگان مشو حافظ
ولی معاشر رندان پارسا می باش

(همان، ص ۱۱۴)

نگویمت که همه ساله می پرستی کن
سه ماه می خور و نه ماه پارسا می باش

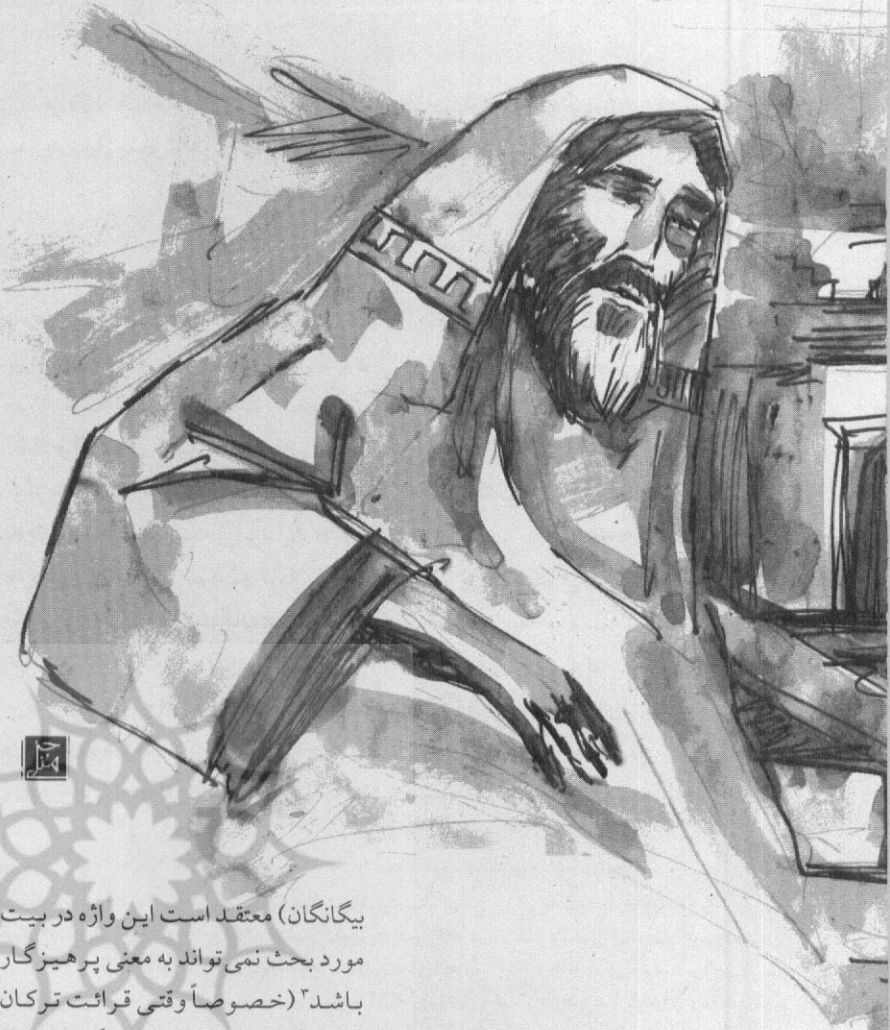
(همان، ص ۱۱۴)

معین واژه‌ی پارسا را صفت و به معنی

آن که از گناهان پرهیزد و به طاعت و عبادت و قناعت عمر گذارد؛ هم چنین به معنی پرهیزگار، پاکدامن، زاهد، متقی، دیندار، متدین، مقدس، عارف، دانشمند و نیز به معنی پارسی، از مردم پارس (فارس)، ایرانی و مفرد پارسایان آورده است. (فرهنگ معین، ذیل پارسا)

در لغت‌نامه‌ی دهخدا به نقل از فرهنگ رشیدی آمده است: «پارسا مرکب از پارس که لغتی است در پاس به معنی حفظ و نگهبانی و از الف که چون لاحق کلمه شود افاده‌ی معنی فاعلیت کند و معنی ترکیبی آن حافظ و نگهبان است؛ چه پارسا پاسدار نفس خود باشد، زاهد، عقیف و...»

✽ بهرام رضایی ویشه سرایی
(متولد ۱۳۴۸، صومعه سرا) دبیر
دبیرستان‌ها و مراکز پیش‌دانشگاهی
شهرستان شفت با ۱۲ سال سابقه‌ی کار.
عنوان رساله‌ی کارشناسی ارشد وی
«نغمه سرایی پرندگان در ادب منظوم»
است.



صادق است و باید واژه‌ی «پارسا» را در
این بیت دارای ایهام و به دو معنی
پرهیزگاران و پارس‌ها (مردمان پارس)
دانست. (انوری، صدای سخن عشق،
ص ۳۱۸)

علامه قزوینی هم معتقد است که در
بیت مورد بحث پارسایان یعنی اهل پارس
در مقابل تازیان (حافظ‌نامه، ج ۱،
ص ۱۳۵)

اما خطیب رهبر بدون این که درباره‌ی
واژه‌ی پارسا توضیح دهد، بیت مورد
بحث را این گونه معنی می‌کند: «زیبایان
فارسی زبان جان تازه می‌بخشند. ای
ساقی، به قلندران پرهیزگار مژده بده (که
دل به عشق زنده دارند که از زهد
خشک‌کاری نیاید) (دیوان حافظ، ص ۹)
پرتو علوی بدون این که به بیت مورد
بحث اشاره کند، در مورد «پارسایان» در
بیت:

تازیان را غم احوال گرانباران نیست
پارسایان مددی تا خوش و آسان بروم
نوشته: تازیان به معنای تازندگان و
دوان دوان است و به معنی اعراب بی معنی
است و تناسبی با مضمون و مقصود شعر
ندارد. وی در ادامه اضافه می‌کند: «پارسا
در تمام فرهنگ‌ها به معنی پرهیزگار آمده و
در برهان گفته که به معنای فارسی نیز هست
ولی در همین جا پس از بیان این معنی
می‌گوید جمع آن پارسایان است نه
پارسایان. بنابراین به نظر این جانب منظور
از تازیان تازندگان اند که پیشرو و پیشتانند
و کنایتاً از ایشان سالکان مجذوب اراده شده

بیگانگان) معتقد است این واژه در بیت
مورد بحث نمی‌تواند به معنی پرهیزگار
باشد^۳ (خصوصاً وقتی قرائت ترکان
پارسی گو را بر خوبان پارسی گو ترجیح
بدهیم) و اساساً به نظر وی «رند حافظ
پارسا نیست و رند پارسا مثل کوسه‌ی ریش
پهن است.» اما به اعتقاد وی در بیت:

تازیان را غم احوال گرانباران نیست
پارسایان مددی تا خوش و آسان بروم
«تازیان» و «پارسایان» ایهام دارد:
تازیان ۱- به معنی تازندگان و سبکیاران (به
قرینه‌ی گرانباران) ۲- عرب‌ها به قرینه‌ی
پارسایان. پارسایان نیز دو معنی دارد: ۱-
پارساها ۲- اهل پارس و پارسی‌ها (در
مقابل تازیان = اعراب). هم چنین تازیان
تلمیحی به محله‌ی «تازیان» در یزد دارد و
بازاری به همین اسم در آن محل.
(حافظ‌نامه، ج ۱، ص ۱۳۶ و ج ۲،
ص ۱۰۱۴)

این نظر به اعتقاد محقق دیگری، نیز

(لغت‌نامه، ذیل پارسا)
خرم‌شاهی در کتاب حافظ‌نامه
می‌نویسد: «در این جا [بیت مورد بحث]
پارسا به معنی پرهیزگار و پاکدامن نیست.
زیرا رند با صفاتی که در [دیوان] حافظ دارد
نمی‌تواند پارسا باشد؛ بلکه به معنی
پارسی، یعنی فارسی (اهل فارس)
است.»

به اعتقاد وی ترکیب «رندان پارسا» در
بیت مورد بحث و نیز در بیت زیر که در
مقابل «بیگانگان» آمده به معنی «رندان
پارسی» است:

مرید طاعت بیگانگان مشو حافظ
ولی معاشر رندان پارسا می‌باش
هم چنین وی با توجه به سابقه‌ی کاربرد
پارسا به معنی پارسی در دیوان حافظ
(یک بار در مقابل تازیان و یک بار در مقابل

که با شتاب می‌روند و به حال واپس ماندگان و گرانباران، که به واسطه‌ی گرانباری و تعلقات قدرت همتازی با آنان را ندارند، نظر نمی‌افکنند اما پارسایان ابرار و اخیارند و از ایشان مجذوبان سالک اراده شده است.

(بانگ جرس، صص ۱۰۷-۱۰۶)

چنان‌که خزانلی در توضیح بیتی از گلستان می‌نویسد:

«پارسا: کسی است که از گناهان بپرهیزد و عمر خود را به عبادت خالق بگذراند... شاید پارسا با پارسی رابطه‌ای داشته باشد، با این بیان که پارسیان زردشتی به زهد و پاکی معروف بوده‌اند... حافظ پارسایان را در مقابل تازیان (عرب) گذاشته و گفته است:

ضایع و خراب کرده‌اند. « (شرح عرفانی
غزل‌های حافظ، ص ۶۷)

نویسنده‌ی کتاب درس حافظ ضمن این‌که تلویحاً پارسا را «پرهیزگار» معنی می‌کند، در خصوص تعبیر «رندان پارسا» نظر قابل تأملی دارد. وی می‌نویسد: «تعبیر رندان پارسا خالی از طنز نیست. رند، ادعای پارسایی نمی‌کند اما حافظ رند را پارساتر از زاهدان می‌داند.» (استعلامی، درس حافظ، ص ۸۲)

با تأملی در آن‌چه گذشت، می‌توان گفت پارسا در بیت ۴ قطعاً به معنی پرهیزگار است اما در مورد بیت‌های ۱ و ۲ و ۳ به نظر می‌آید پذیرفتن «ایهام» در مورد واژه‌ی پارسا بهتر باشد. چون سابقه‌ی هر دو معنا در فرهنگ‌های لغت

تازیان را غم احوال گرانباران نیست
پارسایان مددی تا خوش و آسان بروند

(شرح گلستان سعدی، ص ۳۴۷)

ختمی لاهوری^۵ در کتاب خود به جای «رندان پارسا» از ترکیب «پیران پارسا» استفاده کرده است (ساقی، بده بشارت پیران پارسا را) و در توضیح و تفسیر بیت مورد بحث می‌نویسد: «چون به دولت امداد و افاضه‌ی مرشد پاک نهاد، علت سکر محب شیرازی بر طرف شده، لاجرم به طریق شکر نعمت می‌فرماید که ای حریفان و ای یاران، خوبان و کاملان لسان آشنایی آن جهان، بخشندگان عمر ابدی و حیات سرمدی اند. ای ساقی مجلس و مرشد کذایی، بده این بشارت به پیران پارسا و شیخان پرهیزگار، که عمر عزیز خود را در پارسایی، جهت جلب منافع دنیایی،

رندان پارسا، پیران پارسا، آمده است. کاظم برگ‌نسی در همین کتاب پیران پارسا را پیران پارسی معنی کرده و نوشته است: «پارسا در این‌جا یعنی اهل پارس، پارسی: ترکان پارسی گو بخشندگان عمرند ساقی، بده بشارت پیران پارسا را»

محمدعلی زبیلی در ص ۴۸ کتاب خود با نام «شرح صدغزل از حافظ» ضمن نقل دو بیت زیر از فردوسی، پارسا را ایرانی، فارسی و در مقابل ترک معنی می‌کند:

اگر با سیاروش کند شاه جنگ
چون دیده شود روی گیتی به رنگ
ز ترکان نماند کسی پارسا
غمی گردد از جنگ او پادشاه

۴. خزانلی محمد، شرح گلستان سعدی، ص ۳۱۳ بیت «هرکه را جامه پارسی بینی پارسا دان و نیک مرد انگار» که در حکایت زیر آمده است:

یکی از بزرگان گفت پارسایی را: چه گویی
در حق فلان عابد که دیگران به طعنه سخن‌ها گفته‌اند. گفت: بر ظاهرش عیب نمی‌بینم و در باطنش غیب نمی‌دانم:

هرکه را جامه پارسایی
پارسا دان و نیک مرد انگار
و رندانی که در نهادش چیست

امرت نغرد کی رود خورشید در برج اسد
بی تو کجا چنبره‌ی در دست پای پارسا
(غزل ۲۱)

ترس جان در صومعه افتاد زان ترسا صتم
می‌کش و زنار بسته صوفیان پارسا
(غزل ۱۵۲)

رو مسلمان، سپر سلامت باش
جهد می‌کن به پارسا بودن
(غزل ۲۱۰۲)

نفس موشی نیست الا لقمه رند
قدر حاجت موش را عقلی دهند
(۳۲۷۸/۱)

دختر شاهت همی خواند بیا
تا سرش شویی کنون ای پارسا
(۳۲۱۸/۵)

هین به دستوری از این گندم خورم
ای امین و پارسا و محترم
(۵۲۹/۶)

بی طمع بود او اصیل و پارسا
رایض و شب‌خیز و حاتم در سخا
(۳۳۶۷/۶)

۳. در ص ۳۰ دیوان حافظ که به کوشش رضا اشرف‌زاده چاپ شده، پارسا پرهیزگار معنی شده است. و در صفحه ۴ دیوان حافظ که به کوشش صادق سجادی و علی بهرامیان چاپ شده است، به جای خوبان پارسی گو، ترکان پارسی گو و به جای

۱. رند در لغت به معنی مردم محیل، زیرک، غدار، حيله‌باز، اوباش، اراذل ناس و... است که جمع آن می‌شود رنود. (دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه، ذیل رند) اما همین رند، در دیوان حافظ مقام والا‌یی دارد و به تعبیری خود حافظ است، چنان‌که زرین کوب در کوجهی رندان می‌نویسد: «رند کیست؟ آن‌که به هیچ چیز سر فرود نمی‌آورد، از هیچ چیز نمی‌ترسد و زیر این چرخ کبود، زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است. نه خود را می‌بیند و نه به رد و قبول غیر نظر دارد.» (زرین کوب عبدالمحسین، از کوجهی رندان، ص ۴۱) و باز در صفحه ۱۷۰ همین کتاب می‌نویسد: «رندی حافظ البته رندی عیاران و پهلوانان نیست؛ رندی یک عارف آزاداندیش است، رندی فکری است که شک فیلسوف و حیرت عارف او را نسبت به هر قیدی عاصی کرده است، نه قید خانقاه و صوفی را می‌تواند پذیرد و نه قید فقیه و مدرسه را.»

۲. بی لطف نخواهد بود که اضافه کنیم با جست‌وجو در لوح فشرده‌ی لسان‌الغیب ملاحظه شد این واژه در غزلیات شمس سه بار، در مثنوی، دفتر دوم یک‌بار، دفتر پنجم یک‌بار و دفتر ششم دوبار آمده است:

محب را درون خانه چه کار؟

۵. ابوالحسن عبدالرحمان ختمی لاهوری از رجال فرهنگی مسلمان و فارسی‌زبان و عارف هند در نیمه‌ی اول قرن یازدهم هجری و صاحب کتاب مرج البحرین و شرح عرفانی غزل‌های حافظ است. کتاب اخیر را نشر قطره با تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی، کورش منصوری و حسین مطیعی امین در سال ۱۳۷۸ در چهار جلد به چاپ سوم رسانده است.

۶. با توجه به سؤال ۱۵ آزمون سراسری (عمومی) گروه آزمایشی علوم انسانی که عصر پنجشنبه ۱۲/۴/۱۳۸۲ برگزار شد، معلوم می‌شود که طراح این سؤال بر پرهیزگار بودن رند اعتقاد داشته و به همین تعبیر آن را متناقض نما دانسته است:

۱- ای یوسف خوش نام ما، خوش می‌روی بر بام ما
ای در شکسته جام ما، ای بر دریده دام ما
۲- شب رفت صبح آمد، غم رفت فوج آمد
خورشید درخشان شد تا باد چنین باد
۳- آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان ملارا
۴- خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند
ساقی، بده بشارت رندان پارسا را



رد نکرده و خزائلی هم با اعتقاد بر این که این واژه در بیتی از حافظ مقابل «تازیان = عرب» است به نحوی معنی «پارسی» را برای «پارسایان» پذیرفته‌اند، نادرست نخواهد بود اگر بگوییم: که معنای دیگر «رند پارسا» در بیت مورد بحث و هم چنین بیت‌های مشابه (بیت‌های دوم و سوم) «رند پارسی» یعنی ایرانی است.

لذا با توجه به این توضیحات معنی بیت چنین می‌تواند باشد: خوبان فارسی‌گو (زیبارویانی که به زبان فارسی حرف می‌زنند) با زیبایی صورت و کلام شیرین خود عمری دوباره به آدمی می‌بخشند. ای ساقی، این بشارت را به رندان پرهیزگار (فارسی = ایرانی) بده (چون می‌توانند در مصاحبت با آن‌ها جوانی یا عمر از دست رفته‌ی خود را باز یابند).

موجود است و هیچ اشکالی در پارسا بودن رند نیز نیست و نظر آقای استعلامی قابل تأمل است که حافظ، رند خود را پارسا تر از پارسایان شناخته شده می‌داند؛ با تعریفی حافظ دارد؛ پرهیزگاری که رند است و پرهیز دارد که اعمال خود را به «روی و ریا» بیالاید و عمر عزیز خود را در پارسایی (از آن نوع که آلوده به ریا و جهت جلب منافع دنیایی باشد) ضایع و خراب گرداند. مضافاً بر این که اگر «رند پارسا» را به معنی «رند پرهیزگار» بدانیم، یک پارادوکس (متناقض نما) هم در بیت مشاهده خواهیم کرد.^۶ از طرف دیگر اگر به اشارات فرهنگ‌ها اعتماد کنیم و معنی پارسی یا ایرانی^۷ را برای واژه‌ی پارسا بپذیریم (چنان که خرمشاهی فقط همین نظر را پذیرفته و اتوری هم آن را

منابع و مأخذ.

۱. ابوالمعالی نصرالله منشی، کلبه‌دومه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۷۰
۲. داودی، حسین و دیگران، ادبیات فارسی ۲ دبیرستان (برای نظری، فنی، حرفه‌ای و کار و دانش)، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، چاپ سوم، ۱۳۷۹ (کد/۲۲۰/۱۳۸۲)
۳. استعلامی، محمد، درس حافظ (نقد و شرح غزل‌های حافظ)، تهران، سخن، ۱۳۸۲
۴. انوری، حسن، صدای سخن عشق (گزیده‌ی غزلیات حافظ)، تهران، سخن، ۱۳۸۳
۵. ختمی لاهوری، شرح عرفانی غزل‌های حافظ (دوره‌ی چهارجلدی)، تصحیح و تعلیقات بهاء‌الدین خرمشاهی، کورش منصوری و حسن مطیعی امین، چاپ سوم، ۱۳۷۸، تهران، نشر قطره
۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین، حافظ‌نامه (دوجلدی)، تهران، علمی فرهنگی و سروش، چاپ سوم، ۱۳۶۸
۷. خزائلی، محمد، شرح گلستان، تهران، جاویدان، چاپ ششم، ۱۳۶۶
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، (زیر نظر دکتر محمدمعین و سیدجعفر شهیدی)، تهران، مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، چاپ دوم از دوره‌ی جدید، ۱۳۷۷
۹. زرین کوب، عبدالحسین، از کویچه‌ی زندان، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۹
۱۰. زیبایی، محمدعلی، شرح صدغزل از دیوان حافظ، پازنگ، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷
۱۱. شمس‌الدین محمد، حافظ، دیوان حافظ (براساس نسخه‌ی قزوینی-غنی)، به اهتمام پرویز بابایی، تهران، نغمه، چاپ اول، ۱۳۷۳
۱۲. _____، دیوان حافظ، به کوشش رضا اشرف‌زاده، تهران، کلهر، چاپ اول، ۱۳۷۹
۱۳. _____، به کوشش سید صادق سجادی و علی بهرامیان و توضیح کاظم برگ‌نسی، تهران، شرکت انتشارات فکر روز، چاپ اول، ۱۳۷۹
۱۴. _____، دیوان غزلیات حافظ، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۰
۱۵. علوی، پرتو، بانگ جرس (راهنمای مشکلات دیوان حافظ)، تهران، خوارزمی، چاپ چهارم، ۱۳۶۹
۱۶. لسان‌الغیب (لوح فشرده)، تهران، نیستان جم، شماره‌ی ثبت کتاب‌خانه‌ی ملی ۴۲۳۷
۱۷. معین، محمد، فرهنگ معین (دوره‌ی شش جلدی)، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱

شود افاده‌ی معنی فاعلیت کند و معنی ترکیبی آن حافظ و نگهبان است چه پارسا پاسدار نفس خود باشد... اما توضیح نداده است که حرف «ر» در «پارس» که «لغتی است در پاس» چه می‌شود؟ صاحب کتاب لغت‌نامه هم که آن را نقل کرده، در این باره توضیحی نداده است. اما آن‌چه مسلم است این است که این واژه در اغلب موارد در متون ادبی ما به معنی پرهیزگار به کار رفته است و علامه‌ی دهخدا شواهد بسیاری از متون متشور ادبی و بیش از پنجاه بیت از شعرای مختلف در لغت‌نامه ذیل پارسا آورده است (از فردوسی گرفته تا فرخی، ناصرخسرو، مسعود سعد، امیر معزی، خاقانی، حتی سعدی و یک بیت از حافظ، بیت ۴) و در همه‌ی آن‌ها پارسا را به معنی پرهیزگار و یا به معنای غیر از پارسی آورده است جز در یک بیت از فردوسی که به دنبال معنی پارسی، عارف، دانشمند آن را نقل کرده است: که ای برتر از دانش پارسا/ جهاندار و بر پادشاه پادشا البته آن‌چه آمده به این معنی نیست که تمام سخن است. قطعاً یک تحقیق جامع و با نگاه زبان‌شناسی لازم است تا تکمیل‌کننده‌ی این مبحث شود.

۷. در فرهنگ معین و لغت‌نامه‌ی دهخدا (به نقل از فرهنگ رشیدی) به هر دو معنی پارسا اشاره شده است همان‌طور که در متن مقاله آمده است. بنابراین این نظر پرتوعلوی: «پارسا در تمام فرهنگ‌ها به معنی پرهیزگار آمده» شاید قدری عجولانه به نظر برسد. گرچه خود در ادامه، نظر مؤلف برهان قاطع را می‌آورد: «در برهان گفته که به معنای فارسی نیز هست» ولی در این نظر هم اشکال وارد کرده است و می‌نویسد: «اولی همین جاپس از بیان این معنی می‌گوید که جمع آن پارسایان است نه پارسایان». بنابراین وی نمی‌تواند بپذیرد که پارسایان، پارسی‌ها هستند، بلکه هم‌چنان که اشاره شد وی معتقد است که «پارسایان ابرار و اخیارند و از ایشان مجذوبان سالک اراده شده است». مضافاً بر این که در کتاب‌های دیگر هم؛ از جمله در کلبه و دمنه پارسایان به معنی پارسی‌ها آمده است: «و آن‌چه از جهت پارسایان بدان الحاق افتاده است بر پنج باب است». (نصرالله منشی ابوالمعالی، کلبه و دمنه، ص ۲۸)

اما از نظر صاحب فرهنگ رشیدی هم قابل تأمل است که گفته: «پارسا مرکب از پارس که لغتی است در پاس به معنی حفظ و نگهبانی و از الف که چون لاحق کلمه